

بہ نام خدا

سرشناسه: اکسورثی، مایکل Axworthy, Michael
عنوان و نام پدیدآور: امپراتوری عقل: روایتی از تاریخ ایران/ مایکل اکسورثی؛ ترجمه هایدی مشایخ؛
ویراستار زهرا عالی.
مشخصات نشر: هرمس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۴۴۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۳۲۴-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فبیا
یادداشت: عنوان اصلی: A history of Iran : Empire of the Mind , 2016.
موضوع: ایران -- تاریخ -- از آغاز تا ۶۴۰ م.
شناسه افزوده: مشایخ، هایدی، ۱۳۲۲ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره: DSR۱۱۰
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۱۷۰۳۱

امپراتوری عقل

روایتی از تاریخ ایران

مایکل اکسورثی

هایده مشایخ



این کتاب ترجمه‌ای است از:
A History of Iran: Empire of the Mind
Michael Axworthy
Basic Books, New York, 2008

امپراتوری عقل: روایتی از تاریخ ایران

مایکل اکسورثی
ترجمه هایده مشایخ

طراح جلد: حبیب ایلون
ناظر چاپ: حمیدرضا دمیرچی

چاپ سوم: ۱۴۰۴
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.
تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳
تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



تقدیم به همسر م سالی

«روح زن ما مردها را بالا می برد و به پیش
می راند.»

فاوستِ گوته

فهرست

یادداشت مترجم	نه
دیباچه	سیزده
سپاسگزاری	نوزده
۱. خاستگاه‌ها: زردشت، هخامنشیان، یونانیان	۱
۲. تجدید حیات ایرانیان: اشکانیان و ساسانیان	۴۷
۳. اسلام و تهاجم‌ها: عرب‌ها، ترک‌ها، مغول‌ها - ایرانی شدن اسلام.	
صوفیان، و شاعران	۱۰۵
۴. آیین تشیع و صفویان	۱۸۷
۵. سقوط سلسله صفویه، نادرشاه، دوره فترت سده دوازدهم هجری، و سال‌های آغازین روی کار آمدن سلسله قاجاریه	۲۲۱
۶. بحران‌های سلطنت قاجاریه، انقلاب ۱۲۹۰-۱۲۸۴، و به سلطنت رسیدن سلسله پهلوی	۲۸۳
۷. خاندان پهلوی و انقلاب ۱۳۵۷	۳۳۹
یادداشت‌ها	۳۹۹
کتابنامه	۴۲۱
نمایه	۴۳۵

یادداشت مترجم

نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و خارجی بسیاری تا کنون کتاب‌های متعددی دربارهٔ ایران نوشته‌اند و هریک به دوره‌ای خاص از تاریخ ایران یا یکی از جنبه‌های ویژهٔ آن پرداخته‌اند. کتاب امپراتوری عقل: روایتی از تاریخ ایران تاریخ ایران را از دورهٔ پیش از تاریخ و اساطیری تبیین می‌کند، اما این تبیین تنها تقویمی و روزشمار وقایع نیست. در هر دوره موضوعی محوری مطرح و تفسیر می‌شود. برای مثال جنبه‌های اجتماعی روی کار آمدن و انقراض سلسله‌های پادشاهی، آداب و اشکال مراودات سیاسی تا دوران معاصر، تصوف و شعر و شاعری، و سیاست‌های قدرت‌های خارجی به خصوص بریتانیا در قبال ایران، گو اینکه نسبتاً مختصر ولی به حد کفایت گویا و شیوا و روشن و از همه مهم‌تر بی‌طرفانه، بررسی و تفسیر شده، آن هم با زبانی بسیار روان و جذاب و در قالب کتابی که برای غیرایرانیان هم بسیار جالب و حاوی اطلاعات دقیق است. این خود از انتخاب عبارات مناسب در آغاز فصل‌ها و منابع مورد استفاده آشکار می‌گردد. انتخاب عنوان «امپراتوری عقل»، که به ذهنیت مردمان قلمرو ایران با گستره‌های مختلف در دورهٔ پادشاهی‌های مختلف در

طول تاریخ اشاره دارد، حاکی از اشراف کامل نویسنده به اوضاع و روحيات مردم ایران است.

مایکل اکسورثی (۱۹۶۲-۲۰۱۹) نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه اکستر انگلستان بود که پیش‌تر در مقام رئیس بخش ایران در دفتر ایران و کشورهای مشترک‌المنافع وزارت امور خارجه بریتانیا فعالیت می‌کرد و از این رو دربارهٔ مناسبات سیاسی بین بریتانیا و ایران در دوره‌های مختلف اطلاعات جامع و دقیق و مفیدی به دست می‌دهد. احاطهٔ او بر گسترهٔ وسیعی از موضوعات مربوط به ایران تحسین‌برانگیز است. از این نویسندهٔ ارجمند کتاب مربوط به نادرشاه افشار نیز به فارسی ترجمه شده است.^۱ دو فصل آخر این کتاب و نیز پس‌گفتار آن دربارهٔ دورهٔ معاصر و برخی رویدادهای جاری مانند مذاکرات هسته‌ای و تحریم‌هاست. از آنجا که نظر و نگاه نویسنده به گونه‌ای است که مسائل مطرح‌شده در این دو فصل کماکان بحث‌برانگیز و مغایر با دیدگاه‌های حاکم بر سیاست‌های جاری بوده و باب آن همچنان گشوده است ترجمهٔ این دو فصل در این نسخهٔ فارسی گنجانده نشده است.

در پایان، جا دارد از دوستان و همکارانم خانم زهره هدایتی بیدهندی و آقای مهدی مقیسه برای راهنمایی‌های کلی و تخصصی‌شان دربارهٔ دوره‌های مختلف تاریخی صمیمانه سپاسگزاری کنم.

۱. مایکل اکسورثی، شمشیر ایران: نادرشاه. ترجمهٔ محمدحسین آریا، تهران، اساطیر، ۱۳۸۸.

... ولی هنگامی که به ملاحظه دلایل این عقاید پرداختم، همه این دلایل مربوط به عظمت طبیعت بشر هم نتوانست مرا متقاعد کند: که بشر واسطه بین مخلوقات است، نزدیک به خدایان، ارباب همه مخلوقات پایین مرتبه، با شعور تیزبین، خرد بسیار و هوش درخشان، تفسیرکننده طبیعت، نقطه اعتدال بین ابدیت و زمان، و آن طور که پارسیان می‌گویند علقه ذاتی یا سرود پیوند جهان، و به گفته داوود [نبی] کمی پایین‌تر از فرشتگان. قبول دارم که این‌ها دلایل باشکوهی هستند ولی به نظر نمی‌رسد لب مطلب را بیان کنند.

... یوانتس پارسی^۱ ... می‌نویسد که بشر هیچ صورت کامل فطری ندارد، ولی بسیاری از چیزهایی که انسان به آن‌ها می‌ماند خارج از او و بیگانه با او هستند: «بشر کثیر، گوناگون، و دائم در تغییر است.» چرا بر این تأکید می‌کنم؟ با در نظر گرفتن اینکه ما با این شرایط متولد شده‌ایم، یعنی می‌توانیم همان چیزی بشویم که می‌خواهیم بشویم، باید درک کنیم که ضروری است کاملاً مراقب باشیم تا هرگز علیه ما نگویند که با وضعیت ممتاز به دنیا آمده‌ایم ولی این را تشخیص نداده‌ایم و به جانوران و وحوش بی‌شعور تبدیل شده‌ایم ... به علاوه نباید آن آزادی انتخاب را که خداوند به ما داده است تبدیل به چیزی آسیب‌زننده کنیم، زیرا قرار بوده است به نفع ما باشد. بیا بید همتی متعالی وارد روح و جان خود کنیم؛ بیا بید به میان‌مایگی راضی نباشیم، بلکه برای والاترین‌ها تلاش کنیم و همه توان خود را برای دستیابی به آن به کار بریم.

پیکو دلا میراندولا^{۱۱}

خطابه در باب منزلت انسان

۱. Euanthes the Persian؛ دین‌مرد کلدانی از گستره سرزمین پارس آن دوران. — م.

۱. Pico Della Mirandola؛ فیلسوف ایتالیایی دوره رنسانس (۱۴۹۴–۱۴۶۳). — م.

دیباچه

برگشت‌پذیری شایان توجه تفکر دربارهٔ ایران

آن کس که بداند و بداند که بداند
اسب خرد از گنبد گردون بجهاند
آن کس که بداند و نداند که بداند
آگاه نمایید که بس خفته نماند
آن کس که نداند و بداند که نداند
لنگان خرک خویش به منزل برساند
آن کس که نداند و نداند که نداند
در جهل مرکب ابدالدهر بماند

(شاعر ناشناس، منسوب به [خواجه] نصیرالدین طوسی
۱۲۷۴-۱۲۰۱ م / ۶۵۳-۵۷۹ ه‍.ق)؛^۱ نوعی پیش‌بینی حضور دانلد
رامسفلد^۲ حدود هفت قرن پیش [از روی کار آمدن او]

تاریخ ایران پر است از وقایع خشونت‌آمیز، تهاجم‌ها، فاتحان،
جنگ‌ها و انقلاب‌ها. چون ایران دارای تاریخی طولانی‌تر از
اغلب کشورها و وسعتی بیشتر از بسیاری از آن‌هاست، این نوع

۱. این شعر منسوب به ابن‌یمین است. — م.

۲. وزیر دفاع امریکا در دولت بوش. — م.

وقایع آن هم بیشتر است. ولی تاریخ ایران بیش از این‌هاست. مذهب‌ها، عوامل تأثیرگذار، جنبش‌های فکری، و افکار و اندیشه‌ها هم باعث تغییر اوضاع در داخل ایران و نیز در خارج از ایران و در سرتاسر جهان شده‌اند. امروزه ایران دوباره نیاز به توجه دارد و وضعیت جدید این سؤال را پیش می‌آورد: آیا ایران قدرتی زیاده‌خواه است یا قربانی؟ آیا ایران از قدیم توسعه طلب است یا منفعل و تدافعی؟ آیا تشیع در ایران راضی و تسلیم است یا خشن و انقلابی؟ فقط تاریخ می‌تواند به این سؤالات پاسخ بدهد. ایران یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان است و از آغاز از جمله جدی‌ترین و پیچیده‌ترین تمدن‌ها بوده است. جنبه‌هایی از تمدن ایران به‌طریقی بر همهٔ ابنای بشر بر روی کرهٔ زمین تأثیر گذاشته است. ولی داستان این‌که چگونه این اتفاق افتاد و اهمیت کامل این تأثیرات اغلب معلوم نیست و فراموش شده است.

ایران مملو از تناقض‌ها، گوناگونی‌ها و استثناهاست. اغلب غیرایرانی‌ها تصور می‌کنند ایران کشوری گرم و کویری است. ولی گرداگرد آن را کوه‌های مرتفع با هوای سرد گرفته است. استان‌هایی با کشاورزی غنی دارد و استان‌هایی دیگر که پراز جنگل‌های سرسبز نیمه‌استوایی است. بازتاب این تنوع وسیع اقلیمی پوشش گیاهی رنگارنگ و تنوع جانوری ایران است. در ایران، که بین عراق و افغانستان و روسیه و خلیج فارس واقع شده است و در میان کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه، به زبان هندواروپایی صحبت می‌شود. معمولاً دربارهٔ ایران این تصور وجود دارد که کشوری است با ملتی یکدست و دارای فرهنگ ملی قوی، ولی قومیت‌های آذری، کرد، گیلکی، بلوچ و ترکمن

نزدیک به نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران، زنان با مقررات لباس پوشیدن روبه‌رو شده‌اند، ولی تا اندازه‌ای به همین دلیل شمار بسیاری از خانواده‌ها اجازه دادند دخترانشان در دانشگاه تحصیل و کار کنند. بیش از ۶۰ درصد دانشجویان ورودی دانشگاه‌ها خانم هستند و بسیاری از زنان — خانم‌های متأهل — مشاغل حرفه‌ای دارند.

ایران بعضی از حیرت‌آورترین آثار معماری جهان اسلام را در خود دارد و نیز سنت‌های صناعی در فلزکاری، قالی‌بافی و تجارت در بازار: یک فرهنگ شهری پیچیده و شگفت‌انگیز. ولی تهران، پایتخت ایران، به‌مرور خود را در بتن و راه‌بندان‌های شدید و آلودگی هوا غرق کرده است. شهرت ایرانیان به میراث ادبی‌شان به‌خصوص در شعر تنها در چند کشور دیگر تا حدی نظیر دارد، البته به‌استثنای روسیه. بسیاری از ایرانیان قطعات بلند اشعار مورد علاقه خود را از حفظ می‌خوانند و واگویی قطعات شاعران بزرگ کشور در گفت‌وگوهای روزمره کاری عادی است. شعر است که در لذت زندگی جایگاهی همیشگی دارد، با مضمون‌هایی از قبیل شراب و زیبایی و گل‌ها و عشق زمینی. با وجود این، ایران سنت قوی و محبوب شیعی دارد که در عزاداری ماه محرم (شهادت امام حسین) در برگزاری مراسم سوگواری و حال‌وهوای غمگین خود را نشان می‌دهد.

یک چیز را هم بهتر است در آغاز توضیح داد — یک تناقض آشکار دیگر. ایران و پرشیا هر دو نام یک کشورند. ولی تصویری که «پرشیا» به ذهن متبادر می‌کند دلدادگی و گل و بلبل در

باغ‌های خیال‌انگیز و اسب‌های تندرو و زنان نظرباز و شمشیرهای آخته و فرش‌هایی به رنگ جواهر و نوای آهنگین موسیقی است. درحالی که از کلیشه‌های رسانه‌های غرب درباره «ایران» تصویری نسبتاً متفاوت به ذهن می‌آید — ملاحی‌های اخم‌آلود، نفت سیاه، زنان رنگ‌پریده‌ای که از زیر چادر سیاه به بیرون چشم می‌دوزند، مردم ترش‌رو که پرچم آتش می‌زنند و شعار «مرگ بر...» سر می‌دهند.

در جنوب ایران استانی است به نام فارس. مرکز آن شیراز است و باستانی‌ترین و چشمگیرترین نقاط ایران در آن واقع شده است، یعنی تخت جمشید و پاسارگاد (همراه با شوش در استان همسایه آن یعنی خوزستان). در دوران باستان این استان پارسه نام داشت، برگرفته از نام مردم ساکن آنجا یعنی پارسیان. هنگامی که آن مردمان امپراتوری‌ای ایجاد کردند که همه منطقه را فراگرفت یونانی‌ها آن را امپراتوری پارس نامیدند. بعداً نام پرشیا را یونانیان و رومیان و سایر اروپاییان برای همه سلسله‌های پادشاهی بعدی آن منطقه به کار بردند، منطقه‌ای که امروزه ایران است: پرشیای ساسانی در سده‌های پیش از ظهور اسلام، پرشیای صفوی در سده شانزدهم و هفدهم میلادی (دهم و یازدهم هجری)، و پرشیای قاجار در سده نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری). ولی در تمام این دوره‌ها این مردم خود را ایرانی می‌خواندند و کشورشان را ایران. این نام برگرفته از زمان‌های دور و ظاهراً به معنای «اصیل» است؛ هم‌ریشه با واژه‌ای مشابه در زبان سانسکریت و نیز با واژه «آریایی» — واژه‌ای که در ایدئولوژی‌های نژادیِ اواخر قرن نوزدهم و اوایل